

دکتر جاناتان گیر، باستان‌شناسی و عهد عتیق جلسه ۲، روش‌های باستان‌شناسی،

جاناتان گیر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جاناتان گیر هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق. این جلسه دوم، روش‌های باستان‌شناسی است.

سلام دوباره. ما در این سخنرانی در مورد روش‌های باستان‌شناسی صحبت خواهیم کرد. و قبل از اینکه واقعاً بیل را در خاک فرو کنیم، باید به یاد داشته باشیم، باید به عقب برگردیم و تصویر کلی از جایی که هستیم یعنی جغرافیای سرزمین را به خاطر بسپاریم. حال، این یک زیرشاخه کاملاً مستقل است که می‌توانیم یک مجموعه سخنرانی کامل در مورد جغرافیای تاریخی که شامل زبان‌شناسی، جغرافیای خاص، هیدرولوژی و درک مناظر است، ارائه دهیم.

و بنابراین، ما فقط می‌خواهیم با تصویر کلی از دلیل وجود اسرائیل باستان در این سرزمین، کمی وارد جزئیات شویم. بنابراین، اگر به تمدن‌ها ۱۰۱ فکر کنیم، ممکن است این را از دوران راهنمایی به خاطر داشته باشید شما در مورد فرهنگ‌های رودخانه‌ای و ظهور تمدن در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مطالبی آموخته‌اید.

و این در خاور نزدیک باستان در دو مکان، در مصر و در دره بین‌النهرین، رخ داده است. یک فرهنگ رودخانه‌ای سوم، دره هاراپان، وجود دارد که باعث ظهور تمدن‌های شرقی شد که خارج از محدوده ما است. اما برای شام جنوبی، دو مرکز اصلی فرهنگ‌های رودخانه‌ای، مصر و بین‌النهرین هستند.

و زیبایی فرهنگ رودخانه‌ای این است که می‌توانید غذای بیشتری نسبت به آنچه می‌توانید بخورید، پرورش دهید. بنابراین، اگر غذای اضافی دارید، می‌توانید آن را از طریق دو مکانیسم اصلی به برق تبدیل کنید. یکی اینکه می‌توانید غذای اضافی خود را با منابع دیگر مبادله کنید.

اگر بتوانید به افراد خاصی غذا بدهید و آنها مجبور نباشند وقت خود را صرف جمع‌آوری غذا کنند، می‌توانید به سمت یک اقتصاد تخصصی حرکت کنید. یا می‌توانید، در شرایط خشونت‌آمیز، به ارتشی غذا بدهید تا بروند و از دیگران دزدی کنند. بنابراین، به همین دلیل است که این فرهنگ‌های رودخانه‌ای تاریخ طولانی دارند.

بنابراین، هم مصر و هم بین‌النهرین، جایی هستند که ما اولین شواهد خود را در این مناطق تمدن داریم. و سپس آنها در طول تاریخ بزرگ این سرزمین بارها ظهور و سقوط کرده‌اند. ما همچنین دو ویژگی جغرافیایی طبیعی داریم که هرگونه رفت و آمد بین این فرهنگ‌های رودخانه‌ای را هدایت می‌کنند.

و آن صحرای شرقی، صحرای سوریه در شرق و دریای مدیترانه در غرب خواهد بود. بنابراین، این منطقه به طور مناسب توسط جیم مانسون و بسیاری از کسانی که او را در کالج دانشگاه اورشلیم دنبال می‌کنند، به عنوان سرزمین بین، سرزمین بین، لقب گرفته است. و من این نامگذاری را دوست دارم زیرا به ما یادآوری می‌کند که این سرزمین بین ابرقدرت‌ها است، اما همچنین سرزمینی بین صحرا و دریا است.

و بنابراین، تاریخی که در کتاب مقدس روایت می‌شود، تصویر کلی آن دیکته شده است، اگر به نوعی به مدت طولانی تاریخ نگاه کنیم، این جزر و مد توافیکی را می‌بینیم که از این سرزمین عبور می‌کند. ما همچنین این

منطقه را شام می‌نامیم، اما برخی می‌گویند که این دیدگاه غربی را نشان می‌دهد. شام از طلوع، طلوع خورشید تنها دیدگاهی از شرق است.

دیگران از آن به عنوان اصطلاحات زمین‌شناسی، تا صفحات و مانند آن، مانند سوریه و فلسطین صحبت می‌کنند. اما در این سرزمین، وقایع کتاب مقدس به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، می‌توانید ببینید که من فلش‌هایی را در آنجا کشیده‌ام که نشان می‌دهد ما در این سرزمین‌ها درگیری‌های زیادی داریم.

این به ما یادآوری می‌کند که وقتی با این ابرقدرت‌ها در داستان کتاب مقدس روبرو می‌شویم، دلیل اصلی علاقه آنها به این سرزمین‌ها مربوط به این پویایی قدرت، گسترش نفوذشان و در نهایت تسلط بر این مسیرهای تجارت و بازرگانی است. زیرا اگر شما عوارضی‌ها و هتل‌ها را کنترل کنید، می‌توانید تمام پول افرادی را که از طریق آنها سفر می‌کنند، به دست آورید. بنابراین این تصویر کلی از جغرافیای خاور نزدیک باستان است که به داستان ما مربوط می‌شود.

و سپس، در سرزمین‌های کتاب مقدس، که اکنون اسرائیل، فلسطین، اردن، بخش‌هایی از لبنان و مصر را شامل می‌شود، مناطق طولی داریم. یک دشت ساحلی داریم؛ یک منطقه تپه‌ای مرکزی داریم و در بین آنها، در جنوب، یک منطقه حائل کوچک از تپه‌های کم ارتفاع شفله. و سپس به دره بزرگ ریفت، دره اردن، و سپس به فلات ماوراء اردن می‌رسیم.

ما همچنین با حرکت از شمال به جنوب، شاهد تفاوت‌هایی در آب و هوا و اقلیم هستیم. به طور کلی، بارندگی در شمال بسیار بیشتر و در جنوب نقب بسیار کمتر است، جایی که سالانه بین صفر تا دو اینچ باران می‌بارد. و هر ژانویه یکی از سفرهای سالانه‌ای است که من و همسرم به آنجا می‌رویم.

ما به شوخی می‌گوییم که اغلب در یک روز در ژانویه در صحرای نقب، هر دو اینچ [ارتفاعات] همزمان سقوط می‌کنند. اما وقتی به جغرافیا نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نقاط درگیری بین این امپراتوری‌ها وجود دارد و آنها بقایایی از خود به جا می‌گذارند که منجر به ویرانی می‌شود. ما همچنین زلزله داریم.

ما همچنین در طول زمان شاهد رهاسازی‌های طبیعی هستیم. این‌ها مکان‌های زیادی را فراهم می‌کنند که در آن‌ها کاوش خواهیم کرد و به دنبال بقایای مادی گذشته بشر خواهیم گشت. خب، در این زمینه چه کاری انجام می‌دهیم؟ در این زمینه چه کاری انجام می‌دهیم؟ خب، اولین کار این است که در بررسی‌های منطقه‌ای شرکت کنیم.

و چندین دهه است که در سرزمین‌های مقدس، کاوش‌هایی انجام شده است که اساساً در کل سرزمین قدم می‌زنند و سفال‌ها را از سطح زمین جمع‌آوری می‌کنند. حفاری نمی‌کنند. گاهی اوقات، آنها فقط با یک بیل این کار را انجام می‌دهند.

فقط همین مجاز است، یک گودال آزمایشی با بیل. اما فقط رفتن روی سطح زمین، این جغرافیایی که در موردش صحبت کردیم، و جمع‌آوری خرده سفال، تکه‌های سفال. و در اینجا به طور خلاصه یاد خواهیم گرفت که سفال بهترین شاخص ما برای تاریخ‌گذاری نسبی است، زیرا سفالگری با گذشت زمان از نظر سبک تغییر می‌کند.

بنابراین، با ارزیابی دوره زمانی تکه‌های سفال که روی سطح محوطه‌های باستانی پراکنده شده‌اند، می‌توانیم ایده‌ای از زمان سکونت در این مکان در طول تاریخ طولانی به دست آوریم. حالا، کمی خنده‌دار به نظر می‌رسد، درست است که سفال چگونه از هر لایه تمدن به سطح می‌رسد؟ اما ما آن حجم از داده‌های نقشه‌برداری را پیدا می‌کنیم، وقتی در واقع بقایای شهر باستانی را کاوش می‌کنیم، چیزهای زیادی پیدا می‌کنیم.

که سفال‌های سطحی نشان می‌دهند، نه به صورت درصدی از مدت زمان یا شدت سکونت، اما می‌تواند به ما یک درک کلی بدهد که آیا در اواخر عصر برنز یا عصر آهن یا دوره بیزانس و غیره افرادی در آنجا وجود داشته‌اند یا خیر.

بنابراین، بررسی‌های سطحی طی چند دهه گذشته در بیشتر مناطق این سرزمین انجام شده است و می‌تواند نشان دهد که چه زمانی شاهد افزایش و کاهش تعداد سکونتگاه‌ها بوده‌ایم. بنابراین، این بررسی چیزی در مورد شدت سکونتگاه‌ها در این مکان نمی‌گوید، اما در مورد مقایسه محوطه‌های عصر آهن با محوطه‌های اواخر عصر برنز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. بنابراین، این موضوع بعداً در بحث ما اهمیت پیدا خواهد کرد.

اما این اولین قدم در نوعی شناسایی مکان‌های باستانی و اینکه کدام مکان‌ها در چه دوره‌ای اشغال شده‌اند است. می‌توانیم این را به مرحله بعدی، یعنی شناسایی مکان‌ها، ببریم. این حوزه جغرافیای تاریخی به معنای واقعی کلمه است که کتاب مقدس و سایر اسناد باستانی، مانند نام‌شناسی یوسیبوس، را در بر می‌گیرد. این فهرستی از نام مکان‌ها از زمان‌های بسیار دورتر است که می‌تواند نشانه‌هایی از موقعیت نسبی مکان‌ها نسبت به یکدیگر در زمان نگارش ارائه دهد.

ما همچنین سوابقی از ابرقدرت‌هایی که وارد شده‌اند، از جمله دستورهای مربوط به مکان‌ها و فهرست‌های فتوحات آنها و غیره، داریم. سپس داده‌های غنی کتاب مقدس، مرزهای قبیله‌ای و فهرست‌های اداری را در اختیار داریم. از طریق این فرآیند و همچنین شناسایی نشانه‌هایی که در این فهرست‌ها ذکر شده‌اند، و از همه بهتر، هر از گاهی، مانند تل دن، می‌توانید کتیبه‌ای تهیه کنید که در واقع نام مکان را ذکر می‌کند و شناسایی‌ای را که از طریق تجزیه و تحلیل متون باستانی و جغرافیا به دست آورده‌اید، تأیید می‌کند.

وقتی یک سایت شناسایی می‌شود، و گاهی اوقات شناسایی نمی‌شود و ما تصمیم می‌گیریم که به هر حال حفاری کنیم، شروع به حفاری تل می‌کنیم. دو حرف «ل» به زبان عبری و یک «ل»، ببخشید، یک «ل» به زبان عبری و دو «ل» به زبان عربی، چون هر دو را به انگلیسی ترجمه می‌کنیم. تل چیست؟ خب، من یک انیمیشن بسیار پیچیده برای شما آماده کرده‌ام تا نشان دهم تل چیست.

بنابراین، می‌توانید قضاوت کنید که آیا من آینده‌ای دارم که در کتاب مقدس شکست خورده است و اگر یک شهر باستانی داشته باشید، و شهرهای باستانی در دوران باستان ابتدا به دلیل موقعیت جغرافیایی‌شان انتخاب می‌شدند. بنابراین، آنها همیشه هستند، شما می‌خواهید در مورد آب فکر کنید. بنابراین، مکان‌های باستانی وجود دارند که از آبراه‌هایی که آب باید از دور کشیده شود یا در دوره‌های بعدی لوله‌کشی شود، دور هستند.

اما بیشتر سکونتگاه‌های ما، بزرگترین و پایدارترین سکونتگاه‌ها، منبع آب مخصوص به خود را در نزدیکی خود دارند. این می‌تواند آبی باشد که از یک چاه طبیعی یا چشمه طبیعی یا یک چاه تامین می‌شود، یا ما همچنین آب‌انبار داریم، غارهای بزرگی که از سنگ آهک تراشیده شده‌اند تا آب باران را جمع‌آوری کنند که می‌تواند در طول سال جذب شود. اما ما یک منبع آب داریم، و بنابراین مردمان باستانی در نزدیکی آن منبع آب ساکن می‌شدند، و سپس جاده‌ها این سکونتگاه‌های باستانی را به هم متصل می‌کردند.

خب، این را به عنوان یک سکونتگاه باستانی در نظر بگیرید که در آن آتش‌سوزی وحشتناکی رخ داده است. حالا، این یک مثال ملایم است. همه بیرون رفتند و حالشان خوب بود، اما کل شهر در آتش سوخت و این توده بزرگ خاکستر از خود به جا گذاشت.

حالا، ما به زبان مدرن فکر می‌کنیم که اگر چنین اتفاقی بیفتد، شاید کل محل را پاکسازی کنیم، یک پی جدید حفر کنیم و شروع به بازسازی کنیم. خب، در دوران باستان، آنها هرگز این کار را نمی‌کردند. اول از همه، آنها آنجا را ترک نخواهند کرد زیرا آب آنجاست و جاده آنجاست، بنابراین آنها این مکان را می‌خواهند.

و بعد چوب و سنگ، بلوک‌های سنگی دارید که از قبل تراشیده و حکاکی شده‌اند. و چوب در این سرزمین‌ها بسیار بسیار کمیاب است. بهترین چوب‌ها در شمال، در فنیقیه، لبنان فعلی، بودند.

و بنابراین، آنها از هر چوبی که می‌توانستند، هر بلوکی که می‌توانستند، هر مصالحی که می‌توانستند، دوباره استفاده می‌کردند. بنابراین، آنها به معنای واقعی کلمه از خاکستر، شهر دیگری را دقیقاً در همان مکان بازسازی می‌کنند. دقیقاً در همان مکان.

حالا که شروع کردیم، این اتفاق می‌تواند چند سال بعد، می‌تواند یک دهه بعد رخ دهد. و بعد، فرض کنید زلزله‌ای رخ دهد. و دوباره، همه به سلامت از آن بیرون آمدند، همه خوب هستند، اما شهر ویران شده و حالا یک لایه ویران شده دیگر درست روی لایه اول باقی مانده است.

و حدس بزنید چی شد؟ آنها از بقایای آن شهر ویران شده، شهری دیگر می‌سازند، که هنوز نزدیک آب است، هنوز نزدیک جاده است. و این شهر به مرور زمان متروکه شده است، و بنابراین شن‌ها به داخل آن حرکت می‌کنند، رسوبات خاک به داخل آن حرکت می‌کنند، شاید آنها نزدیک یک دره سیل‌خیز باشند، همه چیز شسته شده است. و ما بقایای این شهر را داریم که درست به موقع متروکه شده است.

و حدس بزنید چی شد؟ آنها درست در همان مکان یک شهر دیگر می‌سازند، و حدس بزنید چی شد؟ این یکی هم در آتش نابود می‌شود. همه زنده ماندند، اما فقط آتش است چون به نظرم جالب‌ترین خودکارسازی‌ای بود که در انتقال اسلایدها وجود داشت. اما حالا ما این اثر لایه‌های مختلف تمدن روی تمدن را داریم.

شهر ویرانه بر شهر ویرانه. این چیزی است که ما تل می‌نامیم، تپه‌ای مصنوعی که نمایانگر شهر ویرانه بر شهر ویرانه است. در هر سفری به خاور نزدیک باستان، این‌ها را در جای‌جای چشم‌انداز خواهید دید.

آنها بسیار شبیه به محل‌های دفن زیاله در ایالات متحده هستند، اما معمولاً پشت درختان پنهان شده‌اند. اما در اینجا می‌توانید این تپه‌ها را در سراسر خاور نزدیک باستان ببینید. حالا، چگونه می‌توانیم یک داستان را بفهمیم و قدمت آن را تعیین کنیم؟ خب، راز در مصنوعات مادی نهفته است که با هر لایه تخریب مرتبط هستند.

خب، اینجا من سایه‌نماهای کوچکی از یک کاسه، یک کوزه و یک نمای دید پرنده از یک چراغ نفتی گذاشته‌ام که در آن فتیله را اینجا می‌گذاشتند، کمی روغن، و اینها چراغ‌های دنیای باستان بودند. خب، بیایید فرض کنیم در این سطح اول کاسه‌ها این شکلی هستند، کوزه‌ها آن شکلی هستند، و چراغ‌های نفتی آن شکلی هستند. خب، پس، در سطح بعدی، می‌توانیم متوجه شویم که در هر یک از این ظروف یک تغییر سبک وجود دارد.

یک مثال مدرن که می‌توانیم به آن فکر کنیم، ظرف کوکاکولا است. در دهه ۶۰، شما این بطری‌های کوکاکولا، بطری‌های شیشه‌ای را داشتید و هنوز هم در برخی از نقاط جهان استفاده می‌شوند، اما دوباره آورده، بازیافت و با کوکاکولا دوباره پر می‌شدند. سپس، در دهه ۷۰، این قوطی آلومینیومی را آوردند که زیانه‌های کششی بسیار خطرناکی داشت، کناره‌های بسیار ضخیم و سفت، و سپس در دهه ۸۰، به یک آلومینیوم نازک‌تر و سپس به یک رویه مخروطی به یک زیانه کششی ایمن‌تر که کاملاً جدا نمی‌شد، روی آوردند.

و بعد، در دهه ۹۰، بطری‌های پلاستیکی، و بنابراین می‌توانستید زمین را بکنید و یک ظرف کوکاکولا پیدا کنید و احتمالاً می‌توانستید به من بگویید که این سپرده در چه دهه‌ای به دلیل تغییر سبک ظرف کوکاکولا ایجاد شده است. و البته، کمی پیچیدگی هم وجود دارد، زیرا در ایام کریسمس، ممکن است بطری‌های سنتی

کوکاکولا را برگردانند و غیره. یک کلکسیونر ممکن است مقداری را ذخیره کند که اگر در سپرده باشد، ممکن است گیج کننده باشد.

ما این نوع چیزها را در باستان‌شناسی هم داریم. اما منظورم را می‌فهمید. با گذشت زمان، سبک ظروف تغییر می‌کند.

این می‌تواند به ما ایده‌ای از گاهشماری نسبی بدهد - این تغییر در سبک ظروف. حالا، چگونه لایه‌ها را تاریخ گذاری می‌کنیم؟ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که تاریخ گذاری نسبی، یعنی این سطح قبل از این سطح است، از نظر زمانی قدیمی‌تر از آن است.

برهم‌نهی ساده، اصطلاحی که می‌توانیم از زمین‌شناسی قرض بگیریم و می‌گویید مواد اولیه عمیق‌تر از مواد جدیدتر هستند. اما می‌دانیم که قضیه به این سادگی نیست. بنابراین، همه ما اثر کیک لایه‌ای را دوست داریم و این به شما ایده‌ای از چگونگی وقوع این پدیده می‌دهد.

اما در واقعیت، مردم در حال کندن گودال، پی و قبر هستند. آنها از مواد دوره‌های زمانی بعدی دوباره استفاده می‌کنند و آنها را در لایه‌های بعدی قرار می‌دهند. یا وقتی گودالی حفر می‌کنند، مواد قدیمی‌تر را روی مواد جدیدتر قرار می‌دهند.

در عمل، این کار بسیار پیچیده‌تر است. اما به طور کلی، ما گاهشماری نسبی را بر اساس عمق آن در رابطه با سایر مطالب نمایش می‌دهیم. بنابراین این تاریخ گذاری نسبی است.

حال برای تاریخ گذاری مطلق، روش‌های مختلفی داریم که می‌توانند سعی کنند لنگرهای زمانی را در لایه‌های خاص قرار دهند، یا اصطلاح باستان‌شناسی آن لایه‌ها است. بنابراین، یک لایه، یک لایه منحصر به فرد از مواد، بقایای معماری و بقایای مادی از یک دوره زمانی خاص است. بنابراین، می‌توانیم به لایه‌های مختلف نگاه کنیم و سعی کنیم لنگرهای زمانی را برای کمک به تعیین تاریخ با گاهشماری نسبی خود، محکم کنیم.

اکنون، بهترین تکیه‌گاه علمی ما که بیشتر و بیشتر در باستان‌شناسی جنوب شام مورد استفاده قرار می‌گیرد، تاریخ گذاری رادیوکربن است که به نیمه‌عمر عناصر خاصی نگاه می‌کند که سپس در برابر حلقه‌های درخت کالیبره می‌شوند و به گذشته برمی‌گردند تا بتوانند سال‌ها را همانطور که ما به سال فکر می‌کنیم، در تاریخ ثبت کنند. اکنون، حتی با این وجود، فضای زیادی وجود دارد که می‌تواند به راحتی ۵۰ تا ۷۵، اگر نه بیشتر، دامنه خطا باشد که پیچیدگی‌های بزرگی را در یکی از بحث‌هایی که در باستان‌شناسی به اصطلاح کتاب مقدس مربوط به قرن دهم و وجود یک سلطنت به اصطلاح متحد مطرح است، ایجاد کرده است. بنابراین، در آینده در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما تاریخ گذاری رادیوکربن و هرچه نمونه‌های بیشتری داشته باشیم که می‌توانند ترسیم و دسته‌بندی شوند، می‌توانیم ایده بهتری از تاریخ مطلق هر یک از این لایه‌ها به دست آوریم.

و سپس کاری که می‌توانیم انجام دهیم مقایسه لایه‌های یک مکان با لایه‌های مکان‌های دیگر است. بنابراین می‌توانیم این را با داده‌هایی که از بررسی‌های سطحی جمع‌آوری کرده‌ایم ترکیب کنیم و شروع به بازسازی سکونت در طول زمان‌های خاص کنیم. همچنین می‌توانیم روند تغییرات تمدن را ردیابی کنیم.

آیا جمعیت زیادی وجود داشته، یا جمعیت کمتری؟ آیا شاهد تغییرات جمعیتی هستیم؟ آیا می‌توانیم این موارد را با لشکرکشی‌های نظامی تاریخی قدرت‌های خارجی مرتبط کنیم؟ و غیره. همه اینها، باز هم، فوق‌العاده پیچیده است، اما شما ایده‌ای از نحوه پرسیدن این سؤالات را دریافت می‌کنید. گذشته از داده‌های علمی دقیق، می‌توانیم از بقایای کتیبه‌ای و بقایای مکتوب نیز در صورت وجود استفاده کنیم.

بنابراین، در دوره‌های بعدی، می‌توانیم از سکه‌هایی استفاده کنیم که تاریخ دارند. خوب، آنها تاریخ ندارند، اما نام حاکم خاصی را دارند که ما با گاهشماری‌ها بازسازی کرده‌ایم تا بر اساس فهرست پادشاهانی که می‌توانیم هماهنگ کنیم، به یک تاریخ خاص برسیم. ما همچنین سوسک‌های مصری داریم که کار می‌کنند، به شکل یک سوسک با کتیبه‌ای در پایین که اغلب از یک فرعون خاص نام می‌برد.

با این حال، این‌ها می‌توانند پیچیده باشند، زیرا گاهی اوقات برای نسل‌ها نگه داشته شده‌اند. اگر کسی از شام به عنوان هدیه دریافت کرده باشد، برای او بسیار جذاب و عجیب و غریب هستند. بنابراین، این‌ها گاهی اوقات می‌توانند ادامه داشته باشند.

بنابراین، آنها فقط می‌توانند در یک جهت از تاریخ‌گذاری به ما کمک کنند. بنابراین، ما موارد خاصی داریم که می‌توانیم برای تثبیت تاریخ‌های مطلق و هماهنگ کردن آن با داده‌های خود برای تاریخ‌گذاری نسبی اعمال کنیم. بنابراین، این کمی در مورد چستی یک نشانه و نحوه تاریخ‌گذاری بقایای آن نشانه است.

مرحله بعدی که پس از یافتن تل‌های سنگی شروع به حفاری در داخل تل می‌کنیم، شروع به کاوش در آن است. گاهی اوقات، این کار با یک ترانسه بزرگ از تل رهوف، جایی که من در سال ۲۰۰۷ به عنوان داوطلب در آن بودم، انجام می‌شود. و حتی می‌توانید درون ترانسه ببینید که نام فضاهای مختلف وجود دارد.

می‌توانید ویژگی‌های معماری، یک پی سنگی را ببینید. می‌توانید شواهدی از معماری خشتی و آجری را در این سرسره و تاسیسات مختلف سنگی ببینید. در پایین‌ترین نقطه، در سطح اواخر عصر برنز، ما یک تاسیسات ذوب فلزات کشف کردیم.

بنابراین، می‌توانید لایه‌هایی را ببینید که با دوره‌های زمانی مختلف هماهنگ هستند. عصر برنز متأخر در اینجا در شیب بالاتر. اما به طور کلی، روشی که ما روی یک قطعه زمین شروع II و آهن I باقی مانده است، آهن می‌کنیم این است که یک مربع ۵ در ۵ متری را نقشه برداری می‌کنیم و سپس به آرامی لایه به لایه پایین می‌رویم و یک توده ۱ متری باقی می‌گذاریم که اساساً یک دیوار حائل برای تعریف مربع‌ها است.

اما همچنین به ما امکان کنترل بر شناسایی لایه‌های مختلف چینه‌شناسی را می‌دهد، زیرا باستان‌شناسی یک علم مخرب است. شما مواد را برمی‌دارید، فهرست‌بندی می‌کنید، اما نمی‌توانید آن را درست همانطور که پیدا کرده‌اید، برگردانید. بنابراین این یک علم مخرب است.

وقتی آن اطلاعات را حذف کردید، دیگر نمی‌توانید به عقب برگردید. و بنابراین چیزی که در حفاری بسیار مهم می‌شود، ثبت و ضبط روش‌ها است. بنابراین، همانطور که لایه به لایه در این مربع‌های ۵ متری پایین می‌رویم، برخی افراد مربع‌های ۱۰ در ۱۰ متری را انجام می‌دهند.

تکنیک‌های حفاری مختلفی وجود دارد. اما ما خیلی با دقت پایین می‌رویم. بنابراین گاهی اوقات، اگر خاک سطحی زیادی از یک فعالیت کشاورزی مدرن و غیره وجود داشته باشد، ممکن است سریع‌تر عمل کنیم و از ابزارهای بزرگ‌تری استفاده کنیم.

اما وقتی به بقایای مادی می‌رسیم، با ابزار اصلی‌مان، یعنی ماله، یعنی ماله بنایی، خیلی با دقت کار می‌کنیم، هر بار فقط چند میلی‌متر پیش می‌رویم، با برس‌ها جارو می‌کنیم، و سپس با خاکی که جمع‌آوری کرده‌ایم، وقتی با دقت تمام انجام شد، آن را از یک توری یا الک با اندازه‌های مختلف عبور می‌دهیم تا هرگونه قطعه سفال هرگونه بقایای استخوان حیوانات یا هرگونه شیء یا مصنوعات را جدا کنیم. همچنین مقداری از آن خاک را برمی‌داریم، در یک سطل می‌گذاریم، آب اضافه می‌کنیم و مواد آلی روی سطح شناور می‌شوند که سپس می‌توان

آنها را زیر میکروسکوپ بررسی کرد تا گونه‌های گیاهی مختلف موجود را شناسایی کنیم. بنابراین، تعدادی روش باستان‌شناسی دیگر نیز وجود دارد که می‌توانیم در آن زمان اعمال کنیم.

اما ثبت هر آنچه که حفاری می‌کنیم بسیار مهم می‌شود. بنابراین، این کار که از طریق استفاده از رایانه انجام می‌شود، تکنیک‌های ثبت ما را به میزان زیادی بهبود بخشیده است. از نقشه‌برداری از سازه‌ها حتی قبل از حفاری از طریق رادار نافذ زمین گرفته تا شناسایی سایت‌ها از طریق تصاویر ماهواره‌ای یا تصاویر هوایی از هواپیماها، تا مستندسازی زمانی که معمولاً حفاری می‌کردیم.

به طور سنتی، این‌ها طرح‌هایی بودند و لایه‌های مختلف توسط یک هنرمند ترسیم می‌شدند. اکنون، ما از عکاسی دیجیتال با وضوح بالا و حتی تکنیک‌هایی در حوزه فتوگرامتری استفاده می‌کنیم که عکس‌ها را با متصل هستند، لایه‌بندی می‌کنند تا مکان‌های دقیق خاص را در فضا و زمان، هم از نظر GPS طرح‌هایی که به صورت مکانی پیوند دهند و مدل‌های سه‌بعدی را با حرکت لایه به GPS عکاسی و هم از طریق داده‌های لایه ایجاد کنند. ما همچنین از پهپادها برای فیلم‌برداری هوایی محلی استفاده خواهیم کرد تا نمای دقیقی از محل داشته باشیم.

بنابراین ضبط کردن خیلی خیلی مهم است. بعضی‌ها حتی همین الان که داریم با هم صحبت می‌کنیم از ویدیو استفاده می‌کنند. همین‌طور که پایین می‌روید، یک تصویر متحرک از روند کار می‌بینید.

بنابراین ثبت و ضبط بسیار بسیار مهم است. مرحله بعدی تجزیه و تحلیل سنگ‌ها، استخوان‌ها، کوزه‌ها، مواد و بقایای آلی است. همان‌طور که اشاره کردم، این کار در کاربرد علوم سخت در مورد بقایای گیاه‌شناسی، و مطالعات ایزوتوپ بسیار پیچیده شده است DNA بقایای جانورشناسی، مطالعات

همچنین می‌توانیم مصنوعات خاص یا گروه‌های بزرگی از داده‌ها را در نظر بگیریم و بررسی کنیم که چگونه این مصنوعات می‌توانند از طریق یک لنز قوم‌نگاری مبتنی بر اصل قیاس، معنا پیدا کنند. اگر یک مصنوع پیدا کنیم، آن مصنوع برای چه کاری استفاده شده است؟ من اغلب به یاد آن صحنه از پری دریایی کوچولو می‌افتم که قهرمان داستان چیزهای مختلفی را از روی سطح جمع می‌کند و یک چنگال دارد. و من فراموش می‌کنم که او آن را چه می‌نامد، اما او موهایش را با چنگال بازی می‌دهد، چون فکر می‌کند که این چیزی برای زیبایی مو است، چنگال.

اما همه ما می‌دانیم که این روش استفاده از چنگال نیست. بنابراین گاهی اوقات حدس‌های ما می‌تواند اشتباه باشد. اما کاری که ما انجام می‌دهیم، که گاهی اوقات می‌تواند به ما کمک کند، نگاه کردن به جوامع سنتی. امروزی است که بارها از برخی از همان فناوری‌هایی که در جهان باستان وجود داشته استفاده می‌کنند.

و این‌ها می‌توانند از نظر ساختارهای کلان، ساختارهای اجتماعی، تا جزئیات مربوط به نحوه ساخت و پخت نوع خاصی از کوزه سفالی باشند. بنابراین، بر اساس اصل قیاس، این گاهی اوقات قوم‌باستان‌شناسی نامیده می‌شود. گاهی اوقات می‌تواند شامل یک مؤلفه تجربی باشد.

همان‌طور که اشاره کردم، من با استخوان‌های حیوانات کار می‌کنم. من حیوانات کامل و تکه‌های بزرگ گوشت را از قصاب‌ها، کشاورزان و شکارچیان دریافت کرده‌ام و می‌توانم در برخی از شیوه‌های قصابی شرکت کنم تا ببینم چه آثار بریدگی روی استخوان باقی مانده است یا برش‌های خاص گوشت را با بازنمایی‌های مختلف شمایل‌نگاری برش‌های گوشت در تصاویر دیواری مقایسه کنم و غیره. بنابراین، ابزارهای مختلف زیادی در مرحله تجزیه و تحلیل در اختیار ما قرار دارد.

مرحله آخر، و از بسیاری جهات، مهمترین مرحله و مرحله‌ای که بسیاری از ما در حوزه کاری خود با آن مشکل داریم، مرحله انتشار است. و اینکه تمام این داده‌هایی که توسط باستان‌شناسان جمع‌آوری شده است، تا زمانی که منتشر نشوند، فقط توسط تعداد کمی شناخته می‌شوند. این داده‌ها به صورت چاپی یا بیشتر و بیشتر به صورت دیجیتالی منتشر می‌شوند و وقتی که به بهترین شکل انجام شود، به صورت دیجیتالی به عنوان داده‌های منبع باز منتشر می‌شوند تا مردم بتوانند نگاه کنند و ببینند که چه نتایجی از این حجم عظیم داده‌ها جمع‌آوری شده و توسط کسانی که بیشترین آشنایی را با آن در زمینه خود دارند، ترکیب شده است، اما سپس به صورت رایگان در دسترس جامعه تفسیری جهان قرار می‌گیرد.

بنابراین، انتشار به بخش پایانی و ضروری این فرآیند تبدیل می‌شود. این کمی در مورد تصویر کلی، جغرافیا، و سپس تمرکز بر آنچه که ما واقعاً در این زمینه انجام می‌دهیم، است. و سپس یک بخش مهم دیگر وجود دارد که می‌تواند درست مانند جغرافیای تاریخی باشد، که می‌توانیم یک مجموعه سخنرانی کامل در مورد آن ارائه دهیم.

اما در اینجا، فقط برای اشاره‌ای بسیار کوتاه، ابزار دیگری که در اختیار ماست وقتی قصد بازسازی جهان‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، جهان باستان برای خواندن متون کتاب مقدس در آن زمینه را داریم، گنجاندن داده‌های متون و تصاویر خاور نزدیک باستان است. متون و تصاویر خاور نزدیک باستان. بنابراین، این درست مانند باستان‌شناسی، تلاشی بسیار جدید است زیرا بسیاری از این زبان‌ها به تازگی رمزگشایی شده‌اند.

بنابراین، اگر به خط مصری فکر می‌کنید، مطمئنم که همه شما با سنگ‌نگاره معروف رزتا آشنا هستید که شامل دو شکل از خط مصری و یک شکل از خط یونانی و یکی از اشکال خط مصری است، بنابراین یکی دموتیک، شکل خط شکسته، و دیگری هیروگلیف مصری است. خط هیروگلیف در چند قرن اول دوران ما از بین رفت. مردم نوشتن با خط هیروگلیف را متوقف کردند.

و این زبان در جهان از بین رفت. حالا، یونانی‌ها به پیشرفت خود ادامه دادند، بنابراین با مقایسه زبان یونانی به ویژه نام‌های یونانی، با نام‌هایی که در مصری‌ها با کارتوش، با یک دایره، جدا شده بودند، توانستند با استفاده از زبان گفتاری قبطی به عقب برگردند تا به آنها در مورد صداها و واژگان خاص کمک کند و در نهایت خط هیروگلیف را رمزگشایی کنند. وقتی این کار انجام شد، هزاران و هزاران متنی که قبلاً غیرقابل خواندن بودند، اکنون در اختیار محققان در سراسر جهان قرار دارند.

بنابراین، این اتفاق تنها در سال ۱۸۲۲ برای شامپولین رخ داد. بنابراین، سنگ رزتا توسط ناپلئون پیدا شد و در درگیری آنها در مصر در سال ۱۷۹۹ به دست بریتانیایی‌ها افتاد، و سپس این مسابقه برای رمزگشایی آن اکثراً اعتبار را به شامپولین در سال ۱۸۲۲ می‌دهند، اگرچه افراد دیگری نیز در این امر دخیل هستند. چند دهه بعد، سر هنری رالستون همین کار را با زبان‌های بین‌النهرین انجام داد، او از طنابی در کتیبه بیستون آویزان شد و بین فارسی باستان و خط میخی که برای اکدی استفاده می‌شود، ارتباط برقرار کرد.

و وقتی خط میخی رمزگشایی شد، زبان اکدی، چه آشوری و چه بابلی، را خواهیم داشت. بعدها، هیتی را خواهیم داشت که از خط میخی استفاده می‌کند، اما زبانی بسیار متفاوت است، در واقع یک زبان هند و اروپایی. اما اکنون با انبوهی از بایگانی‌های عظیم، کتیبه‌های روی دیوارها از جهان باستان روبرو هستیم.

ما همچنین تصاویری از تصاویر مصری از مقبره‌ها و کاخ‌ها داریم. به همین ترتیب، بین‌النهرین، همه اینها با این انفجار باستان‌شناسی در اواسط قرن نوزدهم دست در دست هم دارند. بنابراین، این هجوم و این انفجار داده‌ها وجود دارد.

می‌توانیم به آن اضافه کنیم. من به هیتی، و همچنین سامی شمال غربی، زبان‌ها و گویش‌های مختلف سامی شمال غربی اشاره کرده‌ام. بنابراین فنیقی، موآبی، عبری، آرامی و اوگاریتی از خط میخی استفاده می‌کنند، اما این یک زبان الفبایی است که درست در شمال اسرائیل باستان با متونی از قرن سیزدهم قبل از میلاد مسیح قرار دارد که به چهره‌هایی مانند بعل و اشره اشاره می‌کند و با مضامین اسطوره‌ای که تعامل آنها را در متون کتاب مقدس می‌بینیم، درگیر است. بنابراین، ما همه این متون را داریم، این سیل متون در اواخر دهه 1800 و اوایل دهه 1900.

وقتی می‌خواهیم به تاریخ، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی جهان باستان بپردازیم، باستان‌شناسی داریم، اما این باستان‌شناسی بر اساس اکتشافات در تحقیقات باستان‌شناسی، مانند این کتیبه‌ها، شکل می‌گیرد. بنابراین اکنون مقدمه‌ای کوتاه ارائه داده‌ایم و سپس در این سخنرانی، در مورد روش‌های به کار رفته در بررسی جهان باستان صحبت کرده‌ایم. و اکنون، قصد داریم به داستان اسرائیل باستان در بستر آن بپردازیم.

بنابراین، وقتی این ابزارها را در اختیار داریم، وقتی به طور خاص با لنز باستان‌شناسی نگاه می‌کنیم و می‌فهمیم، که کتاب مقدس چیست، باستان‌شناسی چیست، این چیزها چگونه در شبکه سه‌گانه ما یعنی تکمیل شفاف‌سازی و پیچیده‌سازی کنار هم قرار می‌گیرند؟ بنابراین، این جایی است که به مرحله بعد می‌رویم.

این دکتر جان‌اتان گریز در تدریس خود در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق است. این جلسه 2، روش‌های باستان‌شناسی است.